اتاق فرمان دموکرات‌ها در دست کیست؟

مرحله کادرسازی و مهره چینی دموکرات‌ها: انتخابات هفتم نوامبر، دموکرات‌های حاشیه نشین را دوباره به متن سیاست آمریکا کشاند. نتیجه ظاهری انتخابات اخیر این بود که کنگره از کف اختیار جمهوریخواهان خارج شده است اما پیام واقعی این حادثه آن بود که عصر رهبری نومحافظه کاران بر سیاست های آمریکا به سر آمده است. دموکرات ها اکنون خیز بلند خود را برای خارج کردن مهم ترین خاکریز قدرت یعنی کاخ سفید از سیطره رقیب آغاز کرده اند. اردوی دموکرات ها در حال حاضر سرگرم سازماندهی یک رقابت و چالش بزرگتر است تا در مواجهه ای با تیم گرداننده امور امنیتی وسیاسی به سوی انتخابات ۲۰۰۸ راه کشد.

بی گمان دراین میدان که کارزاری سخت تر از سه شنبه سیاه جمهوریخواهان است، دموکرات ها باید استراتژی جایگزینی خویش برای دکترین ناکارآمد جمهوریخواهان عرضه کنند. در وهله دوم نگاهها به سمت کادر رهبری و شبکه تصمیم گیران این جناح دوخته خواهد شد و این که اردوی دموکرات ها چه کسانی را برای تصدی کرسی های تأثیرگذار وزارت خارجه خانم رایس، معاونت ریاست جمهوری دیک چنی، شوراهای امنیت استفان هاوس و نمایندگی سازمان ملل جان بولتون و مدیریت اتاق مشاوران، رئیس جمهور آماده کرده اند.

از این رو «ترکیب رهبران» در دور جدید بازگشت دموکرات ها به عرصه قدرت از مسائل قابل تأمل برای تحلیلگران روابط بین الملل است. گو اینکه سیاست جهانی واشنگتن برآیندی از آرا و خواسته های گروهها، جناح ها و مؤسسات عدیده اقتصادی، نظامی و سیاسی است اما در نهایت چهره ها و تیم رهبران نقش غیرقابل انکاری در هدایت و پیشبرد این سیاستها ایفا می کنند. نقش حلقه مدیران در عرصه نومحافظه کاران بیش از هر برهه دیگری به اوج رسید. افکار عمومی جهان به عینه دریافتند که چگونه طیف نومحافظه کاران افراطی درون کاخ سفید دو نهاد ارتش و دیپلماسی را در راستای تفکرات سیاسی خویش به کار گرفتند. بنابراین سؤال روشن ناظران سیاسی این است که به راستی اگر دموکرات ها بنای تغییر مسیر سیاست های آمریکا را دارند با تکیه بر اندیشه کدام متفکران و بر اراده چه عناصری می خواهند این کار بزرگ را به انجام رسانند. به عبارتی کاندیدای آنها برای عهده داری کرسی برنامه ریزی و یا کنترل نو محافظه کارانی مثل ریچارد پرل، پل ولفوویتز یا مدیرانی نظیر جان بولتون، دونالد رامسفلد، دیک چنی و کاندولیزا رایس کیست؟

نخستین گمانه زنی رسانه های آمریکایی حاکی از این بود که حزب دموکرات در سازماندهی شبکه تصمیم گیران خود به جذب و به کارگیری دوباره برخی استراتژیست های نام آشنا مثل زبیگنیو برژینسکی، برنت اسکوکرافت اقبال نشان داده است و درصدد بهره گیری از آنان در کنترل جنگ طلبی ساکنان فعلی کاخ سفید هستند. نشریه نیوزویک در پی پیروزی دموکرات ها از این تصمیم درون حزبی دموکرات ها خبر داد. بر پایه گزارش این نشریه دموکرات ها علاوه بر دو چهره مذکور، آنها حول نقش یک دموکرات متقدم به نام جیمز بیکر حساب باز کرده اند. دیپلماتی که اگرچه مدتی را در همسویی با جمهوریخواهان به سر برد اما در این سالها کوشیده است نقش یک مشاور مؤثر را بر کل جریان تصمیم گیری واشنگتن در بحران های بین المللی ایفا کند. اما پس از گروه سیاستگذاران در حلقه مدیران اجرایی و ستادی دموکرات ها، برنامه خود را با سه چهره ای که نامشان درصدر لیست برندگان انتخابات مطرح شد پیش می برند، هیلاری کلینتون که سایه حضور رئیس جمهور پیشین آمریکا (بیل کلینتون) در مجلس سنا و محافل تصمیم گیر آمریکا شناخته می شود و پس از کسب یک پیروزی قاطع بر سناتورهای جمهوریخواه برای سکونت در کاخ سفید در سال ۲۰۰۸ آماده می شود. هری ریدکه دموکرات ها بنابر تجارب زیاداو در تصمیم گیری های مهم، ریاست سنا را به او سپرده اند و نانسی پلوسی که امروز در نقش نخستین زن رئیس مجلس نمایندگان و چهره محبوب دموکرات ها ظاهر شده است.

نکته قابل توجه در برنامه کادرسازی دموکرات ها تاکتیک بدیعی است که آنها برای جذب چهره های معتدل و به اصطلاح خوش خیم جمهوریخواهان برای پست های کلیدی حکومت آمریکا به کار بسته اند.

نخستین نشانه های این تاکتیک در پالسی که دموکرات ها به جانب یک رجل جمهوریخواه (اسکوکرافت) و یک چهره انشعابی دموکرات ها (بیکر) فرستادند نمایان است.

گروه بین الملل

هیلاری کلینتون که سایه حضور رئیس جمهور پیشین آمریکا (بیل کلینتون) در مجلس سنا و محافل تصمیم‌گیر آمریکا شناخته می‌شود پس از کسب یک پیروزی قاطع بر سناتورهای جمهوریخواه برای سکونت درکاخ سفید در سال ۲۰۰۸ آماده می شود

از دید ناظران، برژینسکی در کنار کیسینجر یکی ازمنابع تغذیه تفکرات دستگاه دیپلماسی آمریکاست، برای دموکراتها او نقش یک تکیه‌گاه فکری را دارد و نسل جدید سیاستمداران این جناح امیدوارند که پس از به دست گرفتن کنگره و کاخ سفید دوباره از این مرجع فکری خویش بهره گیرند

پلوسی که اکنون ریاست مجلس نمایندگان را در دست دارد به شدت با دادن مجوز به بوش برای حمله به عراق مخالف بود و حتی به همراه برخی نمایندگان مجلس از بوش خواست تا استراتژی معینی برای موفقیت در عراق در پیش گیرد

آلترناتیوی برای دیک چنی

شکست سنگین جمهوریخواهان در انتخابات میان دوره ای ایالات متحده بیش از آن که شکست حزب جمهوریخواهان باشد، شکست نومحافظه کاران ساکن کاخ سفید و طیف تندروی درون کابینه بوش است. دونالد رامسفلد وزیر دفاع بوش که سابقه دو جنگ ناکام افغانستان و عراق را در کارنامه دارد نخستین قربانی بزرگ شکست جمهوریخواهان در انتخابات سه شنبه گذشته بود. تحلیلگران امور آمریکا معتقدند پس از رامسفلد افرادی چون جان بولتون و... نیز به زودی از سمت خود کنار خواهند رفت اما به نظر می رسد آنچه بیش از همه مورد توجه دموکرات ها قرار گرفته تغییر دیک چنی معاون رئیس جمهور آمریکا که از وی به عنوان طراح اصلی و مغز متفکر طیف جنگ طلبان دوره کاخ سفید یاد می شود، است. بسیاری از سیاستمداران کهنه کار آمریکا ادامه حضور افرادی چون دیک چنی و رامسفلد و حتی کاندولیزا رایس را در محور کابینه بوش، ادامه روند غیرمنطقی سیاست خارجی آمریکا بخصوص در مناطق مهمی مثل خاورمیانه می دانند. با استعفای رامسفلد اینک دیک چنی درسبیل انتقادات وحملات دموکرات ها قرار گرفته و قاعدتاً افرادی نیز از سوی دموکرات ها برای جانشینی وی و معرفی وی به بوش در نظر گرفته شده اند. در رأس افراد مطرح برای جانشینی دیک چنی نامی به چشم می خورد که برای آمریکایی ها چندان غریبه نیست و وی کسی نیست جز «برنت اسکوکرافت» مشاور امنیت ملی آمریکا در زمان ریاست جمهوری جرالد فورد و جرج بوش. اسکوکرافت اگرچه یک جمهوریخواه است اما انتقادات فراوانی به سیاست های آمریکا بخصوص در عراق دارد.

اسکوکرافت کیست؟

برنت اسکوکرافت در ۱۹ مارس ۱۹۲۵ متولد شد. وی در دوره ریاست جمهوری جرالد فورد و بوش پدر مشاور امنیت ملی آمریکا بود. اسکوکرافت همچنین در دوره ریاست جمهوری ریچارد نیکسون مشاور نظامی وی بود. اسکوکرافت در فاصله سال های ۲۰۰۵ - ۲۰۰۱ رئیس بخش مشاورین امنیتی جرج بوش بود.

وی پیش از پیوستن به کابینه بوش، رئیس بنیاد کیسینجر نیز بود. اسکوکرافت همچنین رئیس مؤسسه «گروه اسکوکرافت» است که توسط وی تشکیل شده است.

کارکرد «گروه اسکوکرافت» برخلاف تمامی مناصبی که اسکوکرافت تاکنون بر عهده داشته، به اموری چون مشاور بازرگانی و... خلاصه می شود.

اسکوکرافت برهه ای را در سمت رئیس نیروی هوایی ارتش ایالات متحده و سپس به سمت مشاور امنیت ملی آمریکا منصوب شد.

اسکوکرافت همچنین در دانشگاه نظامی آمریکا و آکادمی نیروی هوایی ارتش آمریکا تدریس کرده است.

اسکوکرافت اگرچه عضو حزب جمهوریخواه آمریکا است اما چه در زمان حمله ایالات متحده به عراق و چه پس از آن ازمخالفین ومنتقدین جدی این حمله بود و جریان منتقد جنگ عراق را در درون حزب جمهوریخواه هدایت می کرد. اسکوکرافت اما در مقابل از حامیان حمله آمریکا به افغانستان بود و آن را واکنشی در مقابل تروریسم می دانست. بوش پدر درسال ۱۹۹۱ مدال افتخار آزادی را به وی اهدا کرد. اسکوکرافت همچنین در سال ۱۹۹۳ در کاخ باکینگهام از دستان ملکه الیزابت مدال افتخار دریافت کرد.

اسکوکرافت همچنین کتابی را با نام «دنیای انتقال یافته» منتشر کرد که به ذکر خاطرات و جریانات درون کاخ سفید در زمان پایان جنگ سرد و فروپاشی شوروی در اوایل دهه ۹۰ پرداخت. وی بدون تردید همواره از مردان پشت صحنه سیاست خارجی ایالات متحده بوده است و سالها حضور در مناصب امنیتی درون کاخ سفید و نیروی هوایی ارتش ایالات متحده از وی چهره ای کارآزموده ساخته است. اسکوکرافت در عین حال پیروی یکی از فرقه های مسیحیت به نام مورمون است. وی متأهل و همسر وی مارین هورنر اسکوکرافت است. حاصل ازدواج اسکوکرافت یک دختر است.

جیمز بیکر

جیمز آدیسون بیکر یک دیپلمات و سیاستمدار آمریکایی است که متولد ۲۸ آوریل ۱۹۳۰ است. او در دوره ریاست جمهوری رونالد ریگان رئیس ستاد کارمندان رئیس جمهور، و در دوره دوم ریاست جمهوری ریگان، از سال ۱۹۸۵ تا ۱۹۸۸ وزیر خزانه داری بود. بیکر در دوره جورج بوش پدر وزارت خارجه آمریکا را برعهده داشت.

این سیاستمدار در هوستون به دنیا آمد و در رشته حقوق تحصیل کرد. وی ابتدا یک دموکرات بود اما بعدها به حزب جمهوریخواه پیوست و سال ۱۹۷۰ در رقابت های انتخاباتی سنا از جورج اچ دبلیو بوش شکست خورد.

بیکر سمت های متعددی را تجربه کرد تا اینکه در سال ۱۹۸۹ در دوره ریاست جمهوری جورج اچ دبلیو بوش به وزارت خارجه رسید و از سال ۱۹۹۲ تا ۱۹۹۳ رئیس ستاد کارکنان کاخ سفید بود.

بیکر در ایجاد اتحادی متشکل از ۳۴ کشور که در جنگ اول خلیج فارس به همراه آمریکا می جنگیدند نقش فعالی ایفا کرد، در اواخر ۲۰۰۳، رئیس جمهور از وی خواست تا در سیاستگذاری برای عملیات آمریکا در جنگ عراق مؤثر واقع شود. او همچنین فرستاده ویژه رئیس جمهور به سایر کشورها برای حل مسأله بدهی های عراق بود.

در پنجم ژانویه ۲۰۰۶، بیکر در نشست وزرای سابق دفاع و خارجه آمریکا که به منظور بحث و گفت وگو پیرامون سیاست خارجی آمریکا طراحی شده بود شرکت کرد. در ماه مارس ۲۰۰۶ کنگره تشکیل گروه مطالعاتی عراق را اعلام کرد و بیکر در کنار لی همیلتون دموکرات ریاست این گروه را عهده دار شد. در ماه سپتامبر امسال مطبوعات اعلام کردند که بیکر درباره عراق به جورج بوش مشاوره می دهد یک ماه پیش نیز روزنامه واشنگتن پست گزارش داد که بیکر رئیس کمیسیونی است که درباره گزینه های آمریکا در عراق به رئیس جمهور مشاوره می دهد. بیکر بر این باور است که آمریکا به جز ادامه مسیر فعلی در عراق گزینه های دیگری هم می تواند اختیار کند. بیکر در گروه مطالعاتی عراق به همراه همکارانش می کوشد که نگاه جدیدی به عراق داشته باشد و انتظار می رود که این گروه اندکی بیش از انتخابات اخیر کنگره آمریکا نتایج تحقیقات خود را اعلام کند. جیمز بیکر علاوه بر اینها، در شورای مشاوران برای اتاق بازرگانی آمریکا و آذربایجان فعالیت می کند و بنابراین روابط نزدیکی با آذری ها دارد. بیکر که پدر ۸ فرزند است مؤسس انستیتو جیمز بیکر است. فردای انتخابات هفتم نوامبر که به شکست جمهوریخواهان منجر شد، رسانه های آمریکا از حضور دوباره بیکر در تیم سیاستگذاران کاخ سفید خبر دادند، برپایه این گزارش ها، بیکر در حلقه استراتژیست های آمریکایی قابلیت آن را دارد که جایگزین چهره های تندرو جمهوریخواهان شود. چنانکه نیوزویک در گزارشی نوشت، جورج بوش با دعوت دوباره بیکر به اتاق تصمیم گیری کاخ سفید در صدد است تا از نقش او هم به عنوان یک پل ارتباطی برای برقراری تعامل با دموکرات ها بهره گیرد هم این که به خواسته محافل منتقد درخصوص اصلاح سیاست هایش در بحران عراق پاسخ دهد.

هری ریدد

هری میسون رید، دوم دسامبر ۱۹۳۹ به دنیا آمد و تحصیلات خود را در زمینه حقوق پی گرفت. وی پیش از آنکه پا به دنیای سیاست بگذارد به نوادا رفت و در آنجا وکیل شد. او عضو حزب دموکرات و سناتور ارشد نوادا است. انتظار می رود که پس از پیروزی دموکرات ها در انتخابات ۲۰۰۶ کنگره، رید رهبر اکثریت سنا شود.

هری رید در سیاست آمریکا، ابتدا به عضویت مجمع ایالتی نوادا درآمد و سپس در انتخابات سنا شرکت کرد اما از رقیب خود آلن بایل شکست خورد. تا سال ۱۹۸۰ نوادا تنها یک عضو در مجلس نمایندگان آمریکا داشت اما به دلیل رشد جمعیت در دهه ۱۹۷۰ ناحیه دوم نیز به این ایالت افزوده شد و نوادا دارای دو نماینده شد. بدین ترتیب هری رید در سال ۱۹۸۲ توانست در انتخابات سراسری به راحتی پیروز و وارد مجلس نمایندگان شود. علاوه بر این، او دو دوره (۱۹۸۳ تا ۱۹۸۷) در مجلس نمایندگان حضور داشت.

هری رید در سال ۱۹۸۶ به سنا راه یافت و در سال های ۱۹۹۲، ۱۹۹۸ و ۲۰۰۴ بار دیگر راهی سنا شد. در سال ۱۹۹۹، وی به عنوان معاون رهبر اقلیت سنا و دست راست تام راچل رهبر اقلیت سنا از ایالت داکوتای جنوبی انتخاب شد. در سال ۲۰۰۱ هنگامی که رشته کنترل سنا موقتاً به دست دموکرات ها افتاد هری رید به سمت معاونت معاون رهبر اقلیت شد.

در ۱۶ نوامبر ۲۰۰۴، هری رید به مقام رهبری دموکرات های سنا و رهبری اقلیت سنا رسید. هری رید در سال ۲۰۰۵ دچار یک سکته خفیف شد و به توصیه همسرش «لندرا» به پزشک مراجعه کرد اما به دلیل آنکه با ۳ روز تأخیر مطبوعات را در جریان گذاشت با جنجال های زیادی مواجه شد.

اول نوامبر ۲۰۰۵ هری رید خواستار غیرعلنی شدن جلسه سنا شد. در آن جلسه او ابهام در اطلاعات مربوط به سلاح های کشتار جمعی عراق سخن به میان آمد. پت رابرتس رئیس کمیته اطلاعات سنا در ژوئیه ۲۰۰۴ وعده داده بود که سوء استفاده جورج بوش از اطلاعات ناقص مربوط به عراق در حمله به این کشور را بررسی می کند اما وی در این زمینه کوتاهی کرد و هری رید در جلسه غیرعلنی سنا به شدت از او انتقاد کرد.

هری رید در ماه مارس ۲۰۰۶ گفت: «حضور نیروهای آمریکا در عراق بیش از حضور ما در جنگ جهانی دوم شده است. وی در ماه مه نیز با شناسایی زبان انگلیسی به عنوان زبان ملی آمریکا مخالفت کرد و آن را پیشنهادی نژادپرستانه نامید.

در ماجرای جک آبراموف لابی گر، نام هری رید به عنوان یکی از افرادی که از آبراموف کمک مالی دریافت کرده است، مطرح شد. اما او گفت که تماس های وی با آبراموف و کمک هایی که از او دریافت کرده، قانونی بوده است. وی این ماجرا را «رسوایی جمهوریخواهان» نامید. هری رید در زمینه مسائل اجتماعی نیز دارای دیدگاه های ویژه ای است. او از مخالفان سقط جنین است و در سال ۱۹۹۴ در تصویب قانونی که محدودیت های جدید برای حامیان سقط جنین در نظر می گرفت سهم به سزایی داشت. هری رید در مه ۲۰۰۵ در کانون توجه مطبوعات قرار گرفت. او در جمع گروهی از دانش آموزان گفت: «پدر جورج بوش آدم عجیبی است. به نظر من او یک بازنده است». او بعداً به خاطر تبعات این اظهاراتش عذرخواهی کرد. نکته قابل تأمل دیگر درباره هری رید آنکه او با موافقتنامه تجارت آزاد به ویژه NAFTA مخالف است و تمایلی به کاهش مالیات ندارد. هری رید در فیلم «ترافیک» یک نقش جزیی داشت.

زبیگنیو برژینسکی

زبیگنیو کازمیرز برژینسکی، ۲۸ مارس ۱۹۲۸ در ورشو پایتخت لهستان به دنیا آمد. وی بخشی از سال های جوانی اش را در فرانسه و آلمان سپری کرد و سپس به کانادا رفت. برژینسکی در رشته علوم سیاسی تحصیل کرد و سرانجام از دانشگاه هاروارد دکترای علوم سیاسی گرفت. پس از آن به تدریس در هاروارد پرداخت و بعد از آن در دانشگاه کلمبیا رئیس انستیتو جدیدی در امور کمونیسم شد. برژینسکی در سال ۱۹۵۸ شهروند آمریکا شد و در سال های دهه ۱۹۶۰ مشاور کندی و جانسون بود. او همواره در صف مخالفان با شوروی سابق بود و نیروی نافذ در تلاش ها دولت جانسون برای نزدیک شدن به شرق اروپا محسوب می شود. در سال های پایانی ریاست جمهوری جانسون، برژینسکی مشاور سیاست خارجی هوبرت هامفری معاون جانسون شد. در سال ۱۹۷۳ برژینسکی به عنوان نخستین مدیر کمیسیون همه جانبه منصوب شد. این کمیسیون گروهی متشکل از رهبران سیاسی و تجاری و دانشگاهیان آمریکا، اروپای غربی و ژاپن بود که هدف آن تقویت روابط میان این ۳ منطقه بود. جیمی کارتر هم عضو این کمیسیون بود بنابراین هنگامی که به ریاست جمهوری رسید برژینسکی را به عنوان مشاور امنیت ملی و خود برگزید.

برژینسکی از مخالفان سیاست خارجی به سبک نیکسون ـ کیسینجر بوده است. وی در دوره کارتر، بر روابط شرق و غرب متمرکز شد و عمدتاً به روابط شمال ـ جنوب و مسائل حقوق بشر می پرداخت. او یک بازیکن طرفدار همکاری گروهی بود و بنابراین به ایجاد رابطه با سایر کشورها علاقه نشان می داد. برژینسکی بر توسعه بیشتر روابط چین و آمریکا تأکید می کرد و طرفدار موافقتنامه کنترل تسلیحات با مسکو بود و همانند رئیس جمهور و سایروس ونس وزیر وقت خارجه معتقد بود که آمریکا به جای یکجانبه گرایی باید در دیپلماسی خود به دنبال همکاری بین المللی باشد.

در فضای سال های پرالتهاب ۱۹۷۹ و ۱۹۸۰ که تسخیر لانه جاسوسی آمریکا، حمله شوروی به افغانستان و بحران های عمیق اقتصادی به وجود آمده بود دیدگاه های ضدشوروی برژینسکی جلب نظر کرد و توانست هواداران بسیاری را گرد او فراهم آورد. اما این مسأله نتوانست به بیماری دولت کارتر پایان دهد. برژینسکی در سیاست خارجی به عنوان چهره ای واقع گرا مطرح شد و بسیاری او را آلترناتیو دموکرات ها در برابر هنری کیسینجر جمهوریخواه می دانند. او در سال هایی که در ساختار حکومت آمریکا بود حول مسأله حقوق بشر تلاش های خود را سازماندهی می کرد.

برژینسکی پس از کنار کشیدن از تشکیلات حکومتی آمریکا به نویسندگی، تدریس و مشاوره روی آورده است و همواره یکی از مشاورها و استراتژیست های پشت صحنه سیاست خارجی آمریکا محسوب می شد.

از دید ناظران، برژینسکی در کنار کیسینجر یکی ازمنابع تغذیه تفکرات دستگاه دیپلماسی آمریکاست، برای دموکراتها او نقش یک تکیه گاه فکری را دارد و نسل جدید سیاستمداران این جناح امیدوارند که پس از به دست گرفتن کنگره و کاخ سفید دوباره از این مرجع فکری خویش بهره گیرند.

هیلاری کلینتون

هیلاری رودهام کلینتون متولد ۲۶ اکتبر ۱۹۴۷، سناتور ارشد نیویورک است که سوم ژانویه ۲۰۰۱ به سنا راه یافت و هفتم نوامبر ۲۰۰۶ نیز فرصت دیگری برای ماندن در سنا پیدا کرد.

او همسر بیل کلینتون رئیس جمهور پیشین آمریکاست و پیش از این یک وکیل بود. او درکاخ سفید کوشید که فارغ از آن که بانوی سیاستمدار آمریکا محسوب می شود، دیدگاههای خاص خود را نیز بیان کند. بنابراین در مسائل فرهنگی چهره ای جنجالی است. با این اوصاف، هیلاری مستقیماً در سیاست آمریکا دخیل بوده است. اکنون که دموکرات ها کنترل کنگره را در دست گرفته اند هیلاری کلینتون که محتمل ترین کاندیدای دموکرات در انتخابات ریاست جمهوری سال ۲۰۰۸ مبدل شده است.

وی دانش آموخته علوم سیاسی است و در مدرسه حقوق ییل عضو هیأت تحریریه مجله حقوقی دانشگاه بود. او در ۸ سالی که به عنوان بانوی سیاست پیشه آمریکا بوده در این نقش فعالیت های سیاسی اندکی داشت و عمدتاً در زمینه حقوق زنان و مسائل کودکان فعال بوده است. زمانی که به سنا راه پیدا کرد کوشید تا روابط خود را با سناتورهای هردو حزب دموکرات و جمهوریخواه گسترش دهد و هم اکنون درینج کمیته مهم سنا عضویت دارد. پس از حملات ۱۱ سپتامبر، مسأله امنیت ملی در اولویت برنامه های وی قرارگرفت و برای افزایش قابلیت های امنیتی آمریکا دربرابر تهدیدهای تروریستی کوشش کرد. او از عضویت خود در کمیته سرویس های مسلح سنا برای حمایت قاطعانه از حمله نظامی به افغانستان استفاده کرد و وضعیت زنان افغان در دوره طالبان را موردتوجه قرارداد.

هیلاری کلینتون با خروج نیروهای آمریکایی از عراق مخالف است و براین باور است که خروج زودهنگام از عراق آن را به یک کشور شکست خورده مبدل می کند. او از این نظر حامی بوش است اما با برنامه های بوش برای کاهش مالیات به شدت مخالفت می ورزد.

هیلاری کلینتون همواره تلاش کرده تا زیرساخت های آموزشی، اشتغال و فناوری آمریکا را مستحکم سازد. اما در برنامه های خود چندان موفق نبوده است. او در سال ۲۰۰۰ وعده داد که در صورت راهیابی به سنا ۲۰۰ هزار شغل ایجاد کند. اما تاکنون در نیویورک بیش از ۱۷۰ هزار شغل از دست رفته است. او پس از توفان ویرانگر کاترینا درصدد برآمد تا با ایجاد یک کمیسیون دلایل ناکامی دولت در رویارویی با این حادثه را بررسی کند.

طبق یک نظرسنجی که گالوپ در مه ۲۰۰۵ انجام داد، ۵۴ درصد از پاسخ دهندگان هیلاری کلینتون را یک لیبرال، ۳۰ درصد وی را به عنوان یک میانه رو و ۹ درصد او را به عنوان یک محافظه کار معرفی کردند. وی از تمایل خود برای شرکت در انتخابات ریاست جمهوری آمریکا در سال ۲۰۰۸ سخن گفته است و در سال جاری نیز همواره موضوع گمانه زنی های رسانه ها در این زمینه بوده است.

تاکنون هیچ زنی از سوی یک حزب بزرگ آمریکایی برای شرکت در انتخابات ریاست جمهوری کاندیدا نشده است و اگر هیلاری برکرسی رقابت ریاست جمهوری ۲۰۰۸ بنشیند، او عنوان نخستین زن داوطلب برای رهبری کاخ سفید از ازآن خود خواهدکرد.

هیلاری در فردای شکست جمهوریخواهان در انتخابات هفتم نوامبر اعلام کرد که این پیروزی دموکراتها مقدم و زمینه پیروزی بزرگ آنها در رقابت ریاست جمهوری ۲۰۰۸ خواهدبود.

نانسی پلوسی

نانسی پاتریشیا دالساندرو پلوسی متولد ۲۶ مارس ۱۹۴۰، اکنون در جایگاه رهبری اکثریت مجلس نمایندگان آمریکا نشسته است. او پیش ازاین رهبر اقلیت این مجلس بود اما پس از پیروزی دموکرات ها در انتخابات میان دوره ای ۷ نوامبر ۲۰۰۶ به عنوان رئیس مجلس نمایندگان آمریکا ایفای نقش خواهدکرد. پلوسی نخستین زنی است که ریاست مجلس نمایندگان آمریکا را برعهده می گیرد.

پدر وی نماینده مریلند در کنگره آمریکا بود و به دلیل آنکه در فضایی سیاسی رشد کرد در سنین پایین وارد عرصه سیاست شد و به دموکرات ها گرایش پیدا کرد. پلوسی دوم ژوئن ۱۹۸۷ به کنگره راه یافت و از آن هنگام ۸ بار در انتخابات کنگره پیروز شده است. درواقع، او این پیروزی ها را به دلیل نبودن یک رقیب سرسخت جمهوریخواه به دست آورده است.

پس از اعتراض های میدان تیان آنمن در سال ۱۹۸۹، پلوسی به هواخواهی جنبش دموکراسی چین درآمد و به شدت ازحکومت جمهوری خلق چین انتقاد کرد. شاید به همین دلیل بود که برخی محافل خاور دور رهبری او بر جناح پیروز دموکراتها را نشانه ای از سردی روابط آینده واشنگتن و پکن تلقی کرده اند.

پلوسی در سال ۲۰۰۱ به معاونت رهبر اقلیت دموکرات مجلس نمایندگان انتخاب شد و این نخستین باری بود که یک زن به چنین عنوانی می رسید. در سال ۲۰۰۲ دیک گفارد رهبر اقلیت مجلس نمایندگان از عنوان خود استعفا داد تا نامزد دموکرات ها در انتخابات ریاست جمهوری شود.

بنابراین پلوسی جانشین وی در مقام رهبری اقلیت مجلس شد.

پلوسی با آنکه یک کاتولیک است، اما از سقط جنین در آمریکا حمایت می کند و خواهان حمایت مقام های مذهبی از سقط جنین است. او سعی می کند خود را حامی حقوق زنان نشان دهد و همواره سیاست آمریکا که زمینه را برای تأمین مالی سازمان های سقط جنین فراهم سازد. با آن که کشاورزی در ایالت وی کالیفرنیا پررونق نیست اما پلوسی از آن حمایت می کند. علاوه بر این، پلوسی معتقد است که در صورت لزوم، باید مالیات ها را افزایش داد تا بودجه دولت برای پیشبرد برنامه های خود تأمین شود. پلوسی حامی همیشگی بودجه متوازن بوده است. او در عین حال می کوشد خود را مدافع آزادی های مدنی و آزادی بیان معرفی کند. پلوسی طرفدار جدایی کلیسا و حکومت است. پس از حملات ۱۱ سپتامبر پلوسی از هزینه های دولت در امور دفاعی حمایت های فراوانی به عمل آورد.

با این حال، وی به شدت با دادن مجوز به بوش برای حمله به عراق مخالف بود و حتی به همراه برخی نمایندگان مجلس از بوش خواست تا استراتژی معینی برای موفقیت در عراق در پیش گیرد و یک جدول زمانی برای خروج از عراق تعیین کند. افزون بر این، پلوسی می گوید: برای آموزش و پرورش اهمیت فراوانی قائل است و از افزایش بودجه آموزش و پرورش حمایت می کند. وی همچنین طرفدار توسعه تکنولوژی های جدید برای کاهش وابستگی آمریکا به نفت خارجی و نیز کاهش تأثیرات زیست محیطی سوخت های فسیلی است. دوستانش، پلوسی را مدافع حقوق مهاجران نیز می شناسند و درهمین راستا او اخیراً با ساخت دیوار حائل درمرز آمریکا با مکزیک به منظور مقابله با ورود غیرقانونی مهاجران مکزیکی به آمریکا مخالفت کرد.

ترجمه وگردآوری: هرمز برادران

هری رید در مه ۲۰۰۵ در کانون توجه مطبوعات قرار گرفت. او در جمع گروهی از دانش آموزان گفت: «پدر جورج بوش آدم عجیبی است. به نظر من او یک بازنده است»

دموکراتها حول نقش یک دموکرات متقدم به نام جیمز بیکر حساب باز کرده اند. دیپلماتی که اگرچه مدتی را در همسویی با جمهوریخواهان به سر برد اما در این سالها کوشیده است نقش یک مشاور مؤثر را بر کل جریان تصمیم‌گیری واشنگتن در بحران‌های بین‌المللی ایفا کند

دررأس افراد مطرح برای جانشینی دیک چنی نامی به چشم می خورد که برای آمریکایی ها چندان غریبه نیست و وی کسی نیست جز «برنت اسکوکرافت، مشاور امنیت ملی آمریکا درزمان ریاست جمهوری جرالد فورد و جرج بوش